

بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی

امیر عمادالدینی

دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)
emad5583@gmail.com

دکتر پرویز سعیدی

دانشیار گروه مدیریت، واحد علی‌آبادکنول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آبادکنول، ایران
parvizsaedi@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دوره زمانی تحقیق پنج ساله براساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ را در بر می‌گیرد. جهت آزمون فرضیات از مدل رگرسیونی و روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. به طوری که پس از اعمال محدودیت‌های موردنظر در پژوهش، نمونه نهایی متشکل از ۸۸ شرکت انتخاب گردید. در این پژوهش جهت طبقه‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار *Excel* استفاده شده است. همچنین پس از طبقه‌بندی داده‌های پژوهش برای پردازش داده‌ها و انجام تخمین‌ها از نرم‌افزار *Eviews* استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیه‌ها حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌باشد. **واژه‌های کلیدی:** حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی.

مقدمه

برای استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس باتوجه به حجم و ریسک حسابرسی تعیین می‌گردد. هرچقدر حق الزحمه پرداختی افزایش یابد و به تبع آن کیفیت حسابرسی نیز بالا می‌رود. در نتیجه بازار نسبت به کیفیت بالای اطلاعات عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. در عوض ممکن است، حق الزحمه بالای حسابرسان، آن‌ها را از لحاظ اقتصادی به صاحبکاران وابسته سازد. چنین وابستگی موجب عدم استقلال حسابرس می‌شود و این سبب می‌شود صاحبکاران به اطلاعات شرکت اتکاء نکنند و نتیجه چنین عملی، عکس‌العمل منفی بازار نسبت به کیفیت پایین اطلاعات است. همچنین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی را مازاد کسری حق الزحمه واقعی نسبت به استاندارد تعریف می‌کنیم. حق الزحمه استاندارد، منعکس‌کننده هزینه‌های تلاش و کوشش و ریسک دعاوی قضایی حسابرسان می‌باشد و حق الزحمه‌های واقعی همان میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان می‌باشد. از نظر سرمایه‌گذاران ممکن است حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ناشی از وابستگی‌های اقتصادی صاحبکار با حسابرس باشد (پایدار و رحمانی، ۱۳۹۵). تحقیقات پیشین (چوی و همکاران^۱، ۲۰۱۰)، حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی مطالبه شده توسط شرکت‌های

¹ Choi, et al.

حسابرسی را به دو سطح عادی و غیرعادی تقسیم کرده‌اند. سطح عادی حق الزحمه‌های حسابرسی اساساً به عوامل رایج در بین مشتریان مانند اندازه شرکت، پیچیدگی، ساختار ریسک و تنوع نسبت داده شده است. در حالی که، سطح غیرعادی حق الزحمه‌های حسابرسی که همان وجه اضافی پرداخت شده توسط مشتریان، جدا از حق الزحمه عادی است بستگی به ارتباط بین شرکت‌های حسابرسی و مشتریان‌شان دارد.

تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی بطور گسترده‌ای توسط شرکت‌های عمومی در انگلستان بکار گرفته شده است. انگیزه‌های زیادی برای این رفتار وجود دارد، به عنوان مثال هنگام عرضه عمومی اولیه سهام (الهاداب و همکاران^۲، ۲۰۱۵ و الهاداب و همکاران، ۲۰۱۶)، هنگام عرضه فصلی سهام (اقبال و همکاران^۳، ۲۰۰۹)، اجتناب از نقض تعهدات بدهی (آیتریدیس و کادورینیسب^۴، ۲۰۰۹) و اجتناب از زیان‌های گزارشگری (پیسنل و همکاران^۵، ۲۰۰۵).

عموماً، ارتباط بین حق الزحمه‌های حسابرسی، خدمات غیرحسابرسی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بخوبی مطالعه شده است. در مواقعی که چندین فرضیه برای تأیید این ارتباط مورد آزمون قرار گرفته‌اند، نتایج متفاوتی گزارش شده است. برای مثال، فرانکل و همکاران^۶ (۲۰۰۲) نشان دادند شرکت‌هایی که میزان بیشتری حق الزحمه حسابرسی پرداخت می‌کنند، سطح پایین‌تری از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی را نشان می‌دهند که این موضوع اشاره می‌کند که وجه اضافی حق الزحمه مطالبه شده توسط شرکت‌های حسابرسی سبب افزایش کیفیت حسابرسی شده است.

فرگوسن و همکاران^۷ (۲۰۰۴) دریافتند که حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی بطور منفی مستقل بودن حسابدار را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آن‌ها متوجه یک ارتباط مثبت بین سطح حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری شدند. ضمناً، آنتل و همکاران^۸ (۲۰۰۶) بحث‌های مفصلی در رابطه با ۵ نظریه اقتصاد هدف، بازی‌های قیمت گذاری، عرضه و تقاضا برای خدمات، رشوه‌خواری، اثر ناخود آگاه و اثرات تولیدی انجام دادند. آن‌ها دلایل مختلفی در خصوص ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی، حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی و مدیریت سود ارائه کردند. در حالی که مطالعات پیشین بر کل حق الزحمه حسابرسی و ارتباط آن با کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تمرکز داشتند، تحقیقات اخیر، با تقسیم حق الزحمه کل به دو سطح عادی و غیر عادی و بررسی ارتباط بین سطح غیرعادی حق الزحمه حسابرسی و مدیریت سود روش جدیدی را دنبال می‌کنند (هویتاش و همکاران^۹، ۲۰۰۷؛ میترا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ چوی و همکاران، ۲۰۱۰؛ گوپتا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۲؛ کراوب و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۵ و جونگ و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۶). این مطالعات نشان داده‌اند که هنگام بررسی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی، سطح غیرعادی حق الزحمه باید معیار اصلی باشد و نه سطح عادی حق الزحمه که موضوع مطالعات پیشین بوده است. شرکت‌های حسابرسی براساس خصوصیات مشاهده شده از مشتریان‌شان مانند اندازه شرکت،

² Alhadab, M., I. Clacher & Keasey. K

³ Iqbal, A., Espenlaub, S. & Strong, N

⁴ Iatridisa, G. & Kadorinisb, G

⁵ Peasnell, K.V., Pope, P.F. & Young, S

⁶ Frankel, R. M., Johnson, M. F. & Nelson, K. K

⁷ Ferguson, M. J., Seow, G. S., & Young, D

⁸ Antle, R., Gordon, E., Narayanamoorthy, G

⁹ Hoitash, R., A. Markelevlch, & Barragato, C.A

¹⁰ Mitra, S., D. Deis, & Hossain, M

¹¹ Gupta, P. P., Krishnan, G. V. & Yu, W

¹² Kraub. P., P. Pronobis & Zulch, H

¹³ Jung, S-J., B-J. Kim, & Chung, J-R

پیچیدگی، ساختار ریسک و... که سطح عادی حق الزحمه حسابرسی نامیده می‌شود، تعیین می‌کنند که چه مقدار حق الزحمه باید از آن‌ها مطالبه کنند. از طرف دیگر، هرگونه حق الزحمه اضافی که براساس ارتباط بین شرکت حسابرسی و مشتریان آن شرکت دریافت شود و این مبلغ ارتباطی با خصوصیات مشتری مانند اندازه، پیچیدگی و... نداشته باشد به عنوان سطح غیرعادی حق الزحمه حسابرسی تعریف می‌شود. این بخش جدید از تحقیقاتی غالباً بر داده‌های آمریکا متمرکز بوده است و نشان داده‌اند که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در ارتباط می‌باشد (لارکر و ریچاردسون^{۱۴}، ۲۰۰۴؛ انتل و همکاران، ۲۰۰۶؛ هیگس و اسکانتز^{۱۵}، ۲۰۰۶؛ هویتاش و همکاران، ۲۰۰۷؛ میترا و همکاران، ۲۰۰۹؛ کانگارتنام و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۰؛ چوی و همکاران، ۲۰۱۰ و هریبار و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۴). مطالعات دیگر بررسی بیشتری بر سطح غیرعادی حق الزحمه‌های حسابرسی انجام داده‌اند. در بررسی آن‌ها سطح غیرعادی به دو سطح مثبت و منفی تقسیم شده است، اما نتایج مطالعات آن‌ها متناقض بوده است. برای مثال، آستانا و بون^{۱۸} (۲۰۱۲) گزارش کرده‌اند که هر دو سطح غیرعادی مثبت و منفی حق الزحمه حسابرسی با کیفیت حسابرسی بطور منفی در ارتباط می‌باشد. از طرف دیگر، بلانکلی و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۲) و شلمان و گو^{۲۰} (۲۰۱۴) نشان دادند که سطح مثبت حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بطور مثبتی با کیفیت حسابرسی مرتبط می‌باشد. تحقیقات اخیر غالباً بر ارتباط بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود اقلام تعهدی متمرکز بوده‌اند (چوی و همکاران، ۲۰۱۰؛ هریبار و همکاران، ۲۰۱۴ و کامپا و دونلی^{۲۰}، ۲۰۱۶) و مطالعات خیلی کمی مدیریت سود واقعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. الهاداب^{۲۱} (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که حق الزحمه غیرعادی حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود واقعی می‌شود. با توجه به خصوصیات متفاوت مسئولیت حسابرسی، انواع خدمات منع شده حسابرسی، مکانیسم حاکمیت شرکتی، سیستم افشاء و فهرست احتیاجات، در بازار سرمایه ایران نسبت به سایر کشورها و با توجه به اهمیت حق الزحمه غیرعادی و تأثیر آن بر مدیریت سود و کیفیت گزارشگری مالی و همچنین وجود یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و حسابرسی برای تحقیق در رابطه با این موضوع، این سوال برای ما مطرح می‌شود که حق الزحمه غیرعادی چه تأثیری در مدیریت سود واقعی و تعهدی می‌گذارد. بنابراین، مطالعه حاضر در پی یافتن شواهد تجربی جهت پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا حق الزحمه غیرعادی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی تأثیر می‌گذارد؟

انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاوردها و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد:

اول اینکه نتایج پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در خصوص حق الزحمه غیرعادی در کشورهای در حال توسعه نظیر بازار سرمایه ایران شود. دوم اینکه، مطالعه ما در فهم تأثیر حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی، کمک می‌کند که این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد.

¹⁴ Larcker, D. F., & Richardson, S. A.

¹⁵ Higgs. J. L. & Skantz. T. R

¹⁶ Kanagaretnam, K., G. Krishnan, & Lobo. G

¹⁷ Hribar P, Kraver T. & Wilson R

¹⁸ Asthana, SC. & Boone. JP

¹⁹ Blankley i., Hurtt, DN. & Macgregor. JE

²⁰ Campa, D. & Donnelly, R

²¹ Alhadab

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی

شرکت‌های حسابرسی برای خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی ارائه شده برای مشتریان حق الزحمه دریافت می‌کنند. تحقیقات قبلی چندین فرضیه رقابتی برای توضیح ارتباط مورد انتظار بین حق الزحمه‌های حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال، حق الزحمه‌های بالاتر حسابرسی ممکن است منجر به تلاش بیشتر شرکت‌های حسابرسی شود و از اینرو دستکاری سود کاهش می‌یابد یا اینکه حق الزحمه‌های بالاتر حسابرسی ممکن است از طریق اجازه دادن جهت دستکاری بیشتر سود باعث به خطر افتادن استقلال حسابرسی شود. آنتل و همکاران (۲۰۰۶) تحقیقات انجام شده در این زمینه و پنج تئوری مرتبط شامل اقتصادهای هدف، بازی‌های قیمت گذاری، عرضه و تقاضا برای خدمات، رشوه خواری، تأثیر ناخودآگاه و اثرات تولیدی که ممکن است بیان کننده ارتباط بین حق الزحمه‌های حسابرسی، حق الزحمه‌های غیر حسابرسی و مدیریت سود باشد را بررسی کردند. همانگونه که آنتل و همکاران (۲۰۰۶) بیان کردند، تئوری اقتصادهای هدف پیشنهاد می‌کند که ارائه خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی برای مشتری باعث یک پیوند اقتصادی بین شرکت حسابرسی و مشتری می‌شود که این مسئله به نوبه خود ممکن است باعث به خطر افتادن استقلال حسابرسی شود. تئوری عرضه و تقاضا برای خدمات اشاره می‌کند که افزایش در ارقام تعهدی اختیاری منجر به افزایش تقاضا برای خدمات حسابرسی می‌شود. برای مثال، بالاتر بودن سطح ارقام تعهدی غیرعادی با احتمال بیشتر ریسک قضایی در آینده مرتبط است و از اینرو حسابرسان برای کاهش این ریسک‌ها، رویه‌های حسابرسی اضافی را انجام خواهند داد (آنتل و همکاران، ۲۰۰۶). در حالی که تئوری رشوه خواری پیشنهاد می‌کند که حسابرسان به منظور اطمینان از اینکه در دوره‌های بعدی نیز به عنوان شرکت حسابرسی مشتریان فعالیت کنند، رویه‌های حسابرسی شان را مطابق با انتظارات مشتریان انجام می‌دهند. این موضوع به نوبه خود شانس حسابرسان را برای ارائه حق الزحمه خدمات غیر حسابرسی به مشتریان افزایش خواهد داد و از اینرو حق الزحمه‌های اضافی دریافت می‌کنند. تئوری تأثیر یا سوگیری اشاره می‌کند که وقتی حسابرسی و مشتری‌اش به دلیل دوره تصدی طولانی مدت، یک رابطه قوی طی یک دوره زمانی برقرار می‌کند، این موضوع سبب سوگیری در رویه‌های حسابرسی به نفع مشتری می‌شود، حتی اگر حسابرسی قصد و نیتی برای انجام اینکار نداشته باشد (مور و همکاران^{۲۲}، ۲۰۰۳ و آنتل و همکاران، ۲۰۰۶). در نهایت، همان‌گونه که آنتل و همکاران (۲۰۰۶) بیان کرده‌اند، تئوری اثر تولیدی فرض می‌کند که سطح ارقام تعهدی غیرعادی در نتیجه ارائه خدمات غیرحسابرسی که هدف آن‌ها افزایش سیستم عامل است، کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، افزایش اثر بخشی یا کارایی عملیات‌های مشتریان از طریق خدمات غیرحسابرسی، انعطاف پذیری مدیران را در مدیریت سود محدود خواهند کرد. شایان ذکر است در حالی که تئوری‌های بالا برای توضیح ارتباط بین حق الزحمه‌های حسابرسی، حق الزحمه‌های خدمات غیر حسابرسی و مدیریت سود ارقام تعهدی بکار گرفته شده‌اند، هیچ تلاشی برای ساخت این تئوری‌ها انجام نشده است تا ارتباط بین حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود واقعی را توضیح دهند. یک دلیل ممکن برای این موضوع این مسئله است که فعالیت‌های واقعی نشان‌دهنده فعالیت‌های مدیریتی منحرف شده از رویه‌های تجاری طبیعی می‌باشد (رویچودهوری^{۲۳}، ۲۰۰۶) و بنابراین، این فعالیت‌ها خارج از هدف حسابرسی هستند. هرچند که تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که در مقایسه با ارقام تعهدی اختیاری (چوی و همکاران، ۲۰۱۶)، فعالیت‌های واقعی با ریسک قضایی بالاتری مرتبط می‌باشند، به ویژه اینکه فعالیت‌های واقعی نتایج منفی شدیدی بر عملکرد شرکت دارد (اله‌آباد و همکاران، ۲۰۱۵). در نتیجه جهت اجتناب

²² Moore, D. A., Loewenstein, G., Tanlu, L. & Bazerman, M. H

²³ Roychowdhury, S

از هرگونه ریسک قضایی در آینده، انتظار می‌رود که شرکت‌های حسابرسی با کیفیت بالا نظارت کنند و دستکاری‌های مبتنی بر فعالیت‌های واقعی را محدود نمایند.

براساس تئوری‌های بالا الهادب (۲۰۱۸) این موضوع را بررسی می‌نماید که آیا حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی ممکن است با مدیریت سود واقعی در ارتباط باشد. لارکر و ریچاردسون (۲۰۰۴)، ابتدا با در نظر گرفتن سطوح عادی حسابرسی و حق‌الزحمه‌های خدمات غیر حسابرسی این موضوع را بررسی کردند که آیا حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی با مدیریت سود اقلام تعهدی در ارتباط هستند. آن‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۵۱۰۳ مشاهدات سالیانه شرکتی دریافتند که نسبت حق‌الزحمه‌های غیر حسابرسی به حق‌الزحمه‌های حسابرسی کل، ارتباط مثبتی با اقلام تعهدی اختیاری مطلق دارد. لارکر و ریچاردسون (۲۰۰۴) همچنین نشان دادند که شرکت‌هایی با سطوح بالاتر حسابرسی و حق‌الزحمه‌های خدمات غیر حسابرسی، سطح پایین‌تری از اقلام تعهدی اختیاری را نشان می‌دهند. آنتل و همکاران (۲۰۰۶) همچنین ارتباط بین حق‌الزحمه‌های خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی و مدیریت سود را بررسی کردند. آنتل و همکاران (۲۰۰۶) با استفاده از نمونه‌های متشکل از شرکت‌های واقع در آمریکا و انگلستان، بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ نشان دادند که حق‌الزحمه‌های غیر-حسابرسی با اقلام تعهدی غیرعادی بطور منفی در ارتباط هستند که پیشنهاد می‌کند انجام خدمات غیر حسابرسی باعث می‌شود استفاده از مدیریت سود اقلام تعهدی محدود شود. آن‌ها همچنین متوجه یک ارتباط مثبت بین مدیریت سود اقلام تعهدی و حق‌الزحمه‌های حسابرسی شدند که تأیید کننده این موضوع می‌باشد که شرکت‌های حسابرسی ممکن است رفتار فرصت طلبانه مشتریان‌شان را به دلیل وابستگی اقتصادی نادیده بگیرند. در تضاد با مطالعات پیشین، تحقیقات اخیر در بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه‌های حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر سطح غیرعادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی متمرکز شده‌اند (هویتاش و همکاران، ۲۰۰۷؛ شی و همکاران، ۲۰۱۰ و گوپتا و همکاران، ۲۰۱۲). این بخش جدید از تحقیقات نشان می‌دهد که برای درک کامل تأثیر حق‌الزحمه‌های حسابرسی بر استقلال حسابرسی و کیفیت حسابرسی، ما نیازمند توجه به این مسئله می‌باشیم که سطوح غیرعادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی که توسط شرکت‌های حسابرسی مطالبه می‌شود، سطح عادی محسوب نمی‌شوند. سطح عادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی توسط فاکتورهایی همچون اندازه مشتری، پیچیدگی، ساختار ریسک و تنوع تعیین شده است (چوی و همکاران، ۲۰۱۰). برای مثال، انتظار می‌رود، شرکت‌های بزرگ با ساختار ریسک بالا و عملیات پیچیده به دلیل زمان، تلاش و نیروی کار بیشتر مورد نیاز جهت رویه‌های حسابرسی‌شان، حق‌الزحمه‌های حسابرسی بالایی نیز توسط حسابرسان مطالبه شود. از طرف دیگر، میزان حق‌الزحمه پرداخت شده در سطح غیر عادی نسبت به سطح عادی بیشتر است که این موضوع به رویه‌های حسابرسی مرتبط نمی‌شود و بستگی به ارتباط خاص موجود بین شرکت حسابرسی و مشتریان آن شرکت دارد.

تحقیقات اخیر که به بررسی حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی پرداخته‌اند، نتایج متناقضی را گزارش کرده‌اند. برای مثال، در حالی که، هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) ارتباط مثبتی بین مدیریت سود و سطوح عادی و غیرعادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی پیدا کردند، میترا و همکاران (۲۰۰۹) نتایجی متناقض با نتایج آن‌ها را گزارش کردند. میترا و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان یک متغیر اندازه‌گیری نشان دادند که حق‌الزحمه‌های حسابرسی غیرعادی یک ارتباط منفی با مدیریت سود دارند. علاوه بر این، شی و همکاران (۲۰۱۰) با استفاده از ۷۰۲۸ مشاهده سالیانه از شرکت‌های چینی به بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با اظهار نظر حسابرسی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که حق‌الزحمه‌های غیر-عادی حسابرسی ارتباط مثبتی با بهبود اظهار نظر حسابرسی دارند، اما این امر تنها مربوط به شرکت‌هایی با سطح پایین‌تر بازگشت دارایی و شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان بومی بود. درحالی‌که آن‌ها این ارتباط مثبت را برای سایر

شرکت‌ها مشاهده نکردند. چوی و همکاران (۲۰۱۰) نیز به بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی پرداختند و حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت و منفی را با توجه به کیفیت حسابرسی مقایسه کردند. آن‌ها حق‌الزحمه‌های حسابرسی را به دو سطح عادی و غیرعادی تقسیم کردند و سطح عادی را به عنوان مقدار برانزده شده مدل حق‌الزحمه‌های حسابرسی در نظر گرفتند. سطح غیرعادی نشان‌دهنده باقیمانده مدل می‌باشد. آن‌ها همچنین سطح مطلق ارقام تعهدی اختیاری را به عنوان یک متغیر کیفیت حسابرسی استفاده کردند که دلالت بر این امر دارد که کیفیت بالای حسابرسی منجر به سطح پایین‌تری از ارقام تعهدی اختیاری می‌شود. چوی و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه خود از یک نمونه آمریکایی متشکل از ۹۸۱۵ مشاهده سالیانه طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳، استفاده کردند و نشان دادند که حق‌الزحمه‌های غیر عادی حسابرسی بطور منفی با کیفیت حسابرسی مرتبط است، اما این نتایج تنها برای شرکت‌هایی با حق‌الزحمه‌های غیرعادی مثبت گزارش شد. در حالی که برای شرکت‌هایی با حق‌الزحمه‌های غیرعادی منفی، مدرکی دال بر ارتباط بین حق‌الزحمه‌های غیرعادی و کیفیت حسابرسی پیدا نکردند. این نتایج پیشنهاد می‌کند شرکت‌های حسابرسی هنگامی که مشتریان‌شان حق‌الزحمه بیشتری نسبت به سطح عادی به آن‌ها پرداخت می‌کنند شیوه مدیریت سود را نادیده می‌گیرند و برعکس. گوپتا و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی مشابه، ارتباط بین حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود را بررسی کردند، اما تمرکز اصلی آن‌ها بر سطح منفی حق‌الزحمه‌های غیرعادی بود. با استفاده از یک نمونه آمریکایی تشکیل شده از ۱۳۱۲۶ مشاهده سالیانه شرکتی، طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، آن‌ها متوجه شدند که حق‌الزحمه‌های غیرعادی منفی با مدیریت سود در ارتباط می‌باشد. نتایج آن‌ها اشاره به این موضوع دارد که شرکت‌های حسابرسی هنگامی که سطح غیرعادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی پایین‌تر از سطح عادی باشد، به مشتریان‌شان اجازه شرکت در مدیریت سود را می‌دهند. این نتایج در تضاد با نتایج گزارش شده توسط چوی و همکاران (۲۰۱۰) است که مدرکی در خصوص این ارتباط پیدا نکرده بودند. کراوس و همکاران (۲۰۱۵) ارتباط بین حق‌الزحمه‌های غیر عادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی و اینکه حق‌الزحمه‌های غیر عادی مثبت با کیفیت حسابرسی ارتباط منفی دارند را بررسی کردند. آن‌ها چندین متغیر مربوط به کیفیت حسابرسی مانند، ارقام تعهدی اختیاری مطلق، ارائه مجدد صورت‌های مالی و تحقق یا عدم تحقق پیش‌بینی‌های سود تحلیگران را استفاده کردند. همان‌گونه که توسط هوگان^{۲۴} (۱۹۹۷) اشاره شد، شیوه‌های مدیریت سود با کیفیت پایین گزارشگری مالی با احتمال بالاتر ریسک قضایی در آینده برای شرکت‌های حسابرسی مرتبط است که به نوبه خود منجر به آسیب اعتباری شدید می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود حسابرسان نقش مهمی در نظارت و شناسایی هرگونه شیوه مدیریت سود داشته باشند که ممکن است هنگام دریافت حق‌الزحمه‌های غیر عادی بالاتر اتفاق بیافتد. در نتیجه الهادب (۲۰۱۸) برای بررسی بیشتر این موضوع که آیا سطح غیرعادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی سبب افزایش کیفیت حسابرسی یا تضعیف آن می‌شود و اینکه آیا این تاثیر می‌تواند در روش‌های مدیریت سود بیشتر یا کمتر دخیل شود، مطالعه حاضر نمونه‌ای متشکل از ۱۵۰۵ مشاهده سالیانه شرکت‌های انگلستان را طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ بررسی نمود. یافته‌های تحقیق الهادب (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که حق‌الزحمه‌های غیرعادی با مدیریت سود واقعی کمتری مرتبط است. این موضوع پیشنهاد می‌کند که سطح غیرعادی حق‌الزحمه‌های حسابرسی عامل اصلی افزایش کیفیت حسابرسی از طریق کاهش انعطاف پذیری مدیران در اعمال مدیریت سود واقعی و دستکاری سود گزارش شده، می‌باشد. به‌ویژه اینکه مشخص شد که حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی با هزینه‌های اختیاری غیرعادی، هزینه‌های غیرعادی تولید و اندازه‌گیری کلی مدیریت سود واقعی، ارتباط منفی دارد. این نتیجه در توافق با تئوری مولد می‌باشد که اشاره می‌کند که هر وجه اضافی پرداخته شده به شرکت‌های حسابرسی با

²⁴ Hogan, C. E

رویه‌های رسیدگی بیشتری در ارتباط است که بطور کلی منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری سیستم عملیاتی مشتریان می‌شود که از این طریق دستکاری سود گزارش شده توسط مدیران خیلی سخت می‌شود. همچنین الهادب (۲۰۱۸) نشان داد این موضوع که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی نه تنها بر اقلام تعهدی اختیاری اثر می‌گذارد، بلکه تأثیر آن‌ها فعالیت‌های واقعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب ارتقاء منابع علمی موجود می‌شود. تحقیقات اخیر غالباً بر ارتباط بین حق الزحمه‌های غیر عادی حسابرسی و مدیریت سود اقلام تعهدی متمرکز بوده‌اند (چوی و همکاران، ۲۰۱۰) و مطالعات خیلی کمی مدیریت سود واقعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. فعالیت‌های واقعی نشان‌دهنده فعالیت‌های مدیریتی است که خارج از رویه‌های معمول تجاری باشد مانند کاهش غیرمنتظره در هزینه‌های اختیاری (رویچودهری، ۲۰۱۶) که نه تنها نتیجه منفی بر عملکرد بازده سهام و عملکرد عملیاتی آتی دارد (کوهن و زاروین^{۲۵}، ۲۰۱۰) بلکه همچنین می‌تواند منجر به ورشکستگی شرکت شود (الهادب و همکاران، ۲۰۱۶).

پیشینه تجربی تحقیق

الهادب (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی با نمونه‌ای متشکل از ۱۵۰۵ مشاهده سالیانه شرکت‌های انگلستان طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ پرداختند. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معنادار و بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. حق الزحمه‌های غیر عادی با مدیریت سود واقعی کمتری مرتبط است. حق الزحمه‌های غیر عادی حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری غیرعادی، هزینه‌های غیر عادی تولید و اندازه‌گیری کلی مدیریت سود واقعی، ارتباط منفی دارد. این نتیجه در توافق با تئوری مولد می‌باشد که اشاره می‌کند که هر وجه اضافی پرداخته شده به شرکت‌های حسابرسی با رویه‌های رسیدگی بیشتری در ارتباط است که بطور کلی منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری سیستم عملیاتی مشتریان می‌شود که از این طریق دستکاری سود گزارش شده توسط مدیران خیلی سخت می‌شود.

هاپسورو و رانی سانتوسو^{۲۶} (۲۰۱۸) به تأثیر رابطه بین تصدی حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و شهرت حسابرسی در ارائه اظهارنظر حسابرسی با بند تأکید بر عدم تداوم فعالیت با توجه به نقش میانجیگری کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده تصدی حسابرسی و شهرت حسابرسی اثر مثبتی بر کیفیت حسابرسی دارند. درحالی که حق الزحمه غیرعادی حسابرسی دارای اثر منفی بر کیفیت حسابرسی می‌گذارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد وضعیت مالی شرکت تأثیر کیفیت حسابرسی بر اظهارنظر حسابرسی با بند تأکید بر عدم تداوم فعالیت را کاهش نمی‌دهد.

کیم و لو^{۲۷} (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر مدیریت سود پرداختند و در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مشتری و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

زالاتا و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان، تخصص مالی کمیته حسابرسی، جنسیت و مدیریت سود: آیا جنسیت متخصص مالی مهم است؟ انجام داد و به این نتیجه رسیدند که تخصص مالی و جنسیت کمیته حسابرسی، مدیریت سود را

²⁵ Campa, D. & Donnelly, R

²⁶ Hapsoro, D., Rani Santoso, T

²⁷ Kim, R., Luo, W

²⁸ Zalata.A.M, Tauringana.V, Tingbani.E

کاهش می‌دهد و همچنین نسبت متخصصان مالی زن در کمیته حسابرسی به طور قابل توجهی با مدیریت سود کمتر ارتباط دارد، در حالی که نسبت متخصصان مالی مرد به طور قابل توجهی بر مدیریت سود تاثیر نمی‌گذارد.

الهادب و کلهر^{۲۹} (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود واقعی و تعهدی می‌شوند.

الزوبی^{۳۰} (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان، کیفیت حسابرسی، تامین مالی بدهی و مدیریت سود: شواهدی از اردن، انجام داد و به این نتیجه رسید که کیفیت حسابرسی (صلاحیت حسابرسی، اندازه، تخصص و استقلال) و تامین مالی بدهی (بدهی کم) پتانسیل مدیریت سود را کاهش می‌دهد و به نوبه خود کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. بطور دائمی، بدهی‌های بالا باعث افزایش ریسک مدیریت سود می‌شود.

هوگوئت و گوندیا^{۳۱} (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان، حسابرسی و مدیریت سود در شرکتهای اسپانیایی، به این نتیجه رسیدند که شرکتهای حسابرسی دارای ارقام تعهدی اختیاری پایین‌تر هستند، اما بین حسابرسان تفاوت قابل توجهی را نشان نمی‌دهد. حسابرسی‌های داوطلبانه مدیریت سود را، در حد کمتری نسبت به حسابرسی‌های اجباری محدود می‌کند.

ساهن^{۳۲} (۲۰۱۶) با انتخاب نمونه ای متشکل از ۳۲۲۱۱ شرکت- سال مشاهده از شرکتهای حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۱۲ به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود شرکت‌ها پرداخت و به این نتیجه رسید که قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و در مقابل، افزایش مدیریت واقعی سود می‌شود.

برایان و ماسون^{۳۳} (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان، تاثیر مدیریت سود از طریق استفاده از بازپرداخت سهام تسریع شده در هزینه‌های حسابرسی، به این نتیجه رسیدند که نشان می‌دهد که شواهدی از رابطه مثبت و معنی دار بین استفاده از بازپرداخت سهام تقویت کننده به عنوان روش مدیریت سود و هزینه‌های حسابرسی پیدا می‌کنیم. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های حسابرسی ۶ درصد بیشتر از زمانی است که سهام بازپرداخت سهام برای مدیریت سود استفاده می‌شود.

خدامی پور و شیبانی تدرجی (۱۳۹۷) طی پژوهشی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی را با توجه به نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، رابطه مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب از مالیات زمانی برجسته‌تر است که شرکت کمتر در مدیریت سود واقعی درگیر شود.

کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مدیران روش‌های مدیریت سود واقعی را جایگزین دستکاری ارقام تعهدی می‌کنند.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی انجام دادند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

²⁹ Alhadab. M, Clacher. L

³⁰ Alzoubi.E.S.S

³¹ Huguet. D, Gandía.J.L

³² Sohn, B. C

³³ Bryan.D.B, Mason.T.W

اما بر خلاف انتظار محققین بین تجربه کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید. در ادامه یافته‌ها نشان داد که بین استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد. حسنی و عظیم زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی به ارزیابی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی در شرایط ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی پرداختند. طبق شواهد پژوهش بین مدیریت سود تعهدی و کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌دار و منفی برقرار است.

ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود و بررسی تفاوت مدیریت سود در شرکت‌های دارای مدیرعامل با دانش مالی و سایر شرکت‌ها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت بر اساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معنی‌داری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد.

پایدار و رحمانی (۱۳۹۵) رابطه ساختار مالکیت، حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با کیفیت حسابرسی را مورد پژوهش قرار دادند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد ارتباط منفی بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت اقلام تعهدی برای شرکت‌هایی با درصد مالکیت بالایی از سهامداران همراه بوده است.

موسوی شیرینی و غفاریان صالحی‌نژاد (۱۳۹۵) رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و توانایی پیش بینی سود را مورد تحلیل قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و پیش بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.

فخاری و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پرداختند. برای این منظور داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۲ به روش مقطعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی وجود دارد.

مهرانی و نوروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در کاهش اثر منفی مدیریت سود بر ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج حاصله نشان داد سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و ارزش شرکت تأثیر مثبت دارد و شرکت‌های دارای رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر با اثر منفی کمتری مواجه هستند.

منصوری سرنجیانه و تنانی (۱۳۹۲) به بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ پرداختند. و جهت آزمون فرضیه از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی بطور مثبت عکس‌العمل نشان می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان می‌شوند:
فرضیه اول: بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف پژوهشی، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات توصیفی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۲ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند. همچنین، از آنجا که برای محاسبه متغیرهای کنترلی انحراف معیار جریان نقد عملیاتی و انحراف معیار فروش داده‌های ۴ سال قبل نیاز بوده است، از این رو داده‌های مورد نیاز شرکت‌های نمونه باید برای دوره ۹ ساله (سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶) در دسترس باشد.

۲. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛

۳. طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشد؛

۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها، در جامعه آماری منظور نشده‌اند)؛

۵. میزان حق الزحمه حسابرسی آن‌ها در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی افشاء شده باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۸۸ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های تحقیق حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم افزارهای اقتصادسنجی *Eviews* استفاده شده است.

مدل و متغیرهای مورد استفاده

به منظور آزمون فرضیات تحقیق مدل‌های زیر بر مبنای مطالعه الهادب (۲۰۱۸) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مدل اول:

$$AEM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AbnFees_{i,t} + \beta_2 BIG_{i,t} + \beta_3 LnMK_{i,t} + \beta_4 Loss_{i,t} + \beta_5 LagTA_{i,t} + \beta_6 VolCFO_{i,t} + \beta_7 VolSale_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل دوم:

$$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AbnFees_{i,t} + \beta_2 BIG_{i,t} + \beta_3 LnMK_{i,t} + \beta_4 Loss_{i,t} + \beta_5 LagTA_{i,t} + \beta_6 VolCFO_{i,t} + \beta_7 VolSale_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق:

$AEM_{i,t}$: مدیریت سود تعهدی شرکت i در سال t ; $REM_{i,t}$: مدیریت سود واقعی شرکت i در سال t ; $AbnFees_{i,t}$: حق الزحمه غیرعادی حسابرسی شرکت i در سال t ; $BIG_{i,t}$: اندازه مؤسسه حسابرسی شرکت i در سال t ; $LnMK_{i,t}$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t ; $Loss_{i,t}$: زیان شرکت i در سال t ; $LagTA_{i,t}$: اقلام تعهدی

سال گذشته i در سال t $VolCFO_{i,t}$: انحراف معیار جریان نقد عملیاتی i در سال t $VolSale_{i,t}$: انحراف معیار درآمد فروش i در سال t و $\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای مدل رگرسیون می‌باشد. در ادامه به معرفی متغیرهای تحقیق می‌پردازیم:

متغیر مستقل:

متغیر مستقل پژوهش حاضر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی است که برای سنجش آن مطابق با پژوهش‌های چوی و همکاران (۲۰۱۰)، ژی و همکاران^{۳۴} (۲۰۱۰)، گوپتا و همکاران (۲۰۱۲) و الهادب (۲۰۱۸) از مدل زیر استفاده می‌شود.

$$Audfees_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BIG_{i,t} + \beta_2 LnAssets_{i,t} + \beta_3 MB_{i,t} + \beta_4 SalesGrowth_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 Lev_{i,t} + \beta_8 Z_Score_{i,t} + \beta_{10} ARInv_{i,t} + \varepsilon_{AbnFee}$$

که در مدل فوق:

اندازه مؤسسه حسابرسی (BIG): یک متغیر مجازی است. در صورتیکه حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشد برابر با ۱ در غیر اینصورت ۰ می‌باشد.

اندازه شرکت ($LnAssets$): برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت.

فرصت‌های رشد (MB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

رشد فروش ($Sales Growth$): نسبت تغییرات فروش جاری و سال گذشته تقسیم بر فروش سال گذشته.

بازده دارایی (ROA): برابر با نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌های شرکت می‌باشد

بازده دارایی منفی ($NegROA$): متغیر مجازی است که اگر بازده دارایی منفی باشد عدد ۱ و در صورتی که بازده مثبت باشد عدد ۰ را به خود می‌گیرد.

اهرم مالی (LEV): از نسبت کل بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت استفاده شده است.

Z -Score: یکی از مدل‌های رایج در پژوهش‌های وضعیت مالی مدل آلتمن^{۳۵} (۱۹۶۸) می‌باشد.

$$Z - Score = 1.2X_1 + 1.4X_2 + 0.3X_3 + 0.6X_4 + 1.0X_5$$

که در آن:

Z -Score: امتیاز مربوط به توان مالی، X_1 : نسبت خالص سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، X_2 : نسبت سود انباشته به کل

دارایی‌ها، X_3 : نسبت سود قبل از کسر بهره و مالیات به کل دارایی‌ها، X_4 : نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به کل

دارایی‌ها، X_5 : بیانگر نسبت فروش به کل دارایی‌ها می‌باشد.

$ARInv$: نسبت حساب‌های دریافتی به کل موجودی کالا و

ε : مقادیر خطای مدل که نشان دهنده‌ی حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی می‌باشد.

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته مطابق پژوهش الهادب (۲۰۱۸) شامل موارد زیر می‌باشد:

مدیریت سود تعهدی: متغیر وابسته اول پژوهش حاضر مدیریت سود برگرفته از مدل تعدیل شده دیچو و دیچف^{۳۶}

(۲۰۰۲) می‌باشد و که توسط بال و شیواکومار^{۳۷} (۲۰۰۶) توسعه یافته است.

³⁴ Xie, z. cal, c & ye, j

³⁵ Altman E.I

$$TA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta SALES_{i,t} + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 DCFO_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} * DCFO_{i,t} + \varepsilon_{AbnAcc}$$

که در مدل فوق:

$TA_{i,t}$: ارقام تعهدی کل.

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش در سال جاری نسبت به سال قبل.

$PPE_{i,t}$: بیانگر جمع دارایی‌های ثابت (اموال، ماشین‌آلات، تجهیزات) می‌باشد.

$CFO_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی در سال جاری.

$DCFO_{i,t}$: متغیر مجازی است که اگر جریان نقدی عملیاتی منفی باشد کد ۱ در غیرابنصورت ۰ می‌باشد.

پس از برآورد مدل فوق برای هر شرکت - سال، مقادیر خطای مدل (ε_{AbnAcc})، بدست می‌آید که نشان دهنده ارقام تعهدی اختیاری (مدیریت سود تعهدی) است.

مدیریت سود واقعی^{۳۸}: متغیر وابسته دوم پژوهش حاضر مدیریت سود واقعی است که برای سنجش آن از مدل سه بخشی روی چاوداری^{۳۹} (۲۰۰۶) استفاده می‌شود که مدل‌های مزبور به شرح زیر است.

$$\begin{aligned} 1) CFO_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 1/ASSETS_{i,t-1} + \beta_2 SALES_{i,t} + \beta_3 \Delta SALES_{i,t} + \varepsilon_{Abncfo} \\ 2) DISX_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 1/ASSETS_{i,t-1} + \beta_2 SALES_{i,t-1} + \varepsilon_{AbnDexp} \\ 3) PRODCST_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 1/ASSETS_{i,t-1} + \beta_2 SALES_{i,t} + \beta_3 \Delta SALES_{i,t} + \beta_4 \Delta SALES_{i,t-1} \\ &+ \varepsilon_{AbnProb} \end{aligned}$$

که در مدل‌های فوق:

$CFO_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی در سال جاری.

$ASSETS_{i,t}$: دارایی ابتدای سال.

$SALES_{i,t}$: درآمد فروش در سال جاری.

$\Delta SALES_{i,t}$: تغییرات فروش در سال جاری نسبت به سال قبل.

$DISX_{i,t}$: جمع هزینه‌های توزیع، فروش و عمومی (عملیاتی).

$PRODCST_{i,t}$: بهای تمام شده کالای فروش رفته.

ε_{Abncfo} : مقادیر خطای مدل اول که نشان دهنده جریان نقد عملیاتی غیرعادی است، بیانگر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری ارقام غیرعادی جریان وجه نقد عملیاتی^{۴۰} می‌باشند. افزایش در باقی‌مانده مدل اول حاکی از افزایش سطح غیرعادی جریان های نقد عملیاتی و در نتیجه، مدیریت سود واقعی کمتر است (رابطه معکوس).

$\varepsilon_{AbnDexp}$: مقادیر خطای مدل دوم که نشان از ارقام غیرعادی هزینه‌های عملیاتی دارند، بیانگر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری در هزینه‌های توزیع و فروش و عمومی می‌باشند. افزایش در باقی‌مانده مدل دوم حاکی از سطح غیرعادی هزینه‌های عملیاتی و در نتیجه مدیریت سود واقعی کمتر است (رابطه معکوس).

³⁶ Dechow, p. m. & dichev. i. d

³⁷ Ball, r. & shivakumar, l

³⁸ Real earning management

³⁹ Roychowdhury, s

⁴⁰ Discretionary cash flows

$\varepsilon_{AbnProb}$: مقادیر خطای مدل سوم ارقام غیرعادی بهای تمام شده‌ی کالای فروش رفته است و بیانگر مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری در ارقام بهای تمام شده می‌باشند. افزایش در باقی‌مانده مدل سوم حاکی از سطح غیرعادی هزینه‌های تولید و در نتیجه مدیریت سود واقعی بیشتر است (رابطه مستقیم).
در نهایت برای سنجش معیار کلی مدیریت سود واقعی معکوس جمله خطای مدل اول و دوم با جمله خطا مدل سوم جمع می‌شود و به عنوان شاخص کلی مدیریت سود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش برخی از مهم‌ترین متغیرهایی که بر مبنای مطالعات الهادب (۲۰۱۸) به عنوان متغیرهای کنترلی مدنظر قرار گرفتند که عبارتند از:

- ۱- اندازه مؤسسه حسابرسی (BIG): یک متغیر مجازی است. در صورتیکه حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشد برابر با ۱ در غیر اینصورت ۰ می‌باشد.
- ۲- لگاریتم ارزش بازار ($lnMk$): برابر است با لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.
- ۳- زیان شرکت ($Loss$): متغیر مجازی است، اگر شرکت مورد رسیدگی در یک سال زیان خالص گزارش نماید مقدار آن برابر با عدد ۱ در غیر اینصورت صفر می‌باشد.
- ۴- ارقام تعهدی سال گذشته ($LagTA$): از طریق سود قبل از کسر مالیات منهای نسبت جریان نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت در سال گذشته محاسبه می‌گردد.
- ۵- انحراف معیار جریان نقد عملیاتی ($VolCFO$): از طریق انحراف معیار جریان ناشی از وجه نقد عملیاتی تقسیم بر میانگین دارایی سال جاری و ۴ سال قبل بدست می‌آید.
- ۶- انحراف معیار درآمد فروش ($VolSale$): از طریق انحراف معیار فروش تقسیم بر میانگین دارایی جاری و ۴ سال قبل محاسبه می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد که برای نمونه‌ای متشکل از ۴۴۰ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، حق الزحمه غیرعادی حسابرسی دارای میانگین ۰,۰۲۶۲ و میانه ۰,۰۰۳۹ بوده که کمترین و بیشترین مقدار این متغیر به ترتیب برابر است با ۲,۳۳۹۳- و ۱,۹۲۳۳ می‌باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
مدیریت سود تعهدی	AEM	-۰,۰۰۳۷	-۰,۰۰۳۲	۰,۳۵۲۰	-۰,۳۷۱۹	۰,۱۱۹۹
مدیریت سود واقعی	REM	۰,۰۰۰۷	۰,۰۳۶۶	۰,۸۵۲۴	-۱,۳۲۲۱	۰,۳۰۰۵
حق الزحمه غیرعادی	ABNFEEES	۰,۰۲۶۲	-۰,۰۰۳۹	۱,۹۳۲۲	-۲,۳۳۹۳	۰,۶۴۱۱
لگاریتم ارزش بازار	LNMK	۱۳,۸۴۶۷	۱۳,۸۰۸۵	۱۷,۸۲۷۳	۱۰,۹۵۴۳	۱,۰۳۵۳
اقلام تعهدی سال گذشته	LAGTA	۰,۰۰۹۷	-۰,۰۰۰۲	۰,۵۲۷۱	-۰,۶۷۰۵	۰,۱۵۴۱
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی	VOLCFO	۰,۱۵۷۶	۰,۱۳۴۷	۰,۷۴۳۱	۰,۰۰۹۵	۰,۰۹۷۸
انحراف معیار فروش	VOLSALE	۰,۳۷۰۱	۰,۲۵۴۳	۴,۰۳۴۱	۰,۰۴۱۱	۰,۳۸۵۶

جدول شماره (۲) شاخص‌های درصد فراوانی و نما (مد) را برای متغیر دو وجهی اندازه مؤسسه حسابرسی و زیان شرکت که برای نمونه ای متشکل از ۴۴۰ سال - شرکت مشاهده شده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ ارائه می‌کنند. درصد فراوانی عدد ۱ برای اندازه مؤسسه حسابرسی برابر با ۲۴/۰۹ درصد است که نشان می‌دهد به طور متوسط حسابرسی ۲۴ درصد از شرکت‌های مورد بررسی توسط سازمان حسابرسی انجام شده است و همچنین درصد فراوانی عدد ۱ برای زیان شرکت برابر با ۱۳/۱۸ درصد است که نشان دهنده این موضوع است که به طور متوسط حدود ۱۳ درصد از شرکت‌های نمونه زیان‌ده هستند.

جدول (۲): درصد فراوانی و نما (مد) برای متغیرهای دو وجهی

متغیر	نماد	درصد فراوانی +	درصد فراوانی ۱	مد
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIG	۷۵,۹۱%	۲۴,۰۹%	۰
زیان شرکت	LOOS	۸۶,۸۲%	۱۳,۱۸%	۰

نتایج آزمون فرضیه‌ها

در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص گردد. با توجه به نتایج بدست آمده که در جدول شماره (۳) ارائه شده است، سطح معناداری آماره F لیمر برای هر سه مدل کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر آزمون رد شده و بیانگر آن است که برای تخمین مدل‌های پژوهش باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. سپس با توجه به تابلویی بودن مدل، باید برای تعیین نوع داده‌های تابلویی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. همان‌طور که در جدول (۳) نیز ملاحظه می‌شود، با توجه به نتایج این آزمون و سطح معناداری آن، در تمامی مدل‌ها لازم است که مدل‌ها به روش اثرات ثابت برآورد گردد. نتایج آزمون برونش پگان برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در اجزای اخلاص در مدل‌های تحقیق نیز حاکی از وجود ناهمسانی واریانس بوده که برای رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد مدل‌ها استفاده شده است. همچنین، برای اطمینان از عدم وجود مشکل همخطی بین

متغیرهای توضیحی، آزمون همخطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آن که مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، لذا هم خطی بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول (۳): آزمون اف لیمر، هاسمن و ناهمسانی واریانس

مدل	آزمون F لیمر		آزمون هاسمن		آزمون ناهمسانی واریانس	
	آماره	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری
اول	۳,۰۳۶۳	۰,۰۰۰۰	۵۴,۵۴۱۹	۰,۰۰۰۰	۵,۳۷۵۰	۰,۰۰۰۰
دوم	۹,۹۵۳۰	۰,۰۰۰۰	۴۰,۸۲۴۹	۰,۰۰۰۰	۵,۵۲۱۰	۰,۰۰۰۰

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل اول پژوهش به شرح جدول (۴) می‌باشد.

جدول شماره (۴): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول پژوهش

$$AEM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AbnFees_{i,t} + \beta_2 BIG_{i,t} + \beta_3 LnMK_{i,t} + \beta_4 Loss_{i,t} + \beta_5 LagTA_{i,t} + \beta_6 VolCFO_{i,t} + \beta_7 VolSale_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری	آزمون VIF
عرض از مبدا	B_0	-۰,۳۸۴۶	۰,۰۶۰۹	-۶,۳۱۴۰	۰,۰۰۰۰	---
حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	$ABNFEEES$	۰,۰۱۱۶	۰,۰۰۲۷	۴,۲۱۲۸	۰,۰۰۰۰	۱,۰۳
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۰,۰۳۹۶	۰,۰۱۱۲	۳,۵۲۸۳	۰,۰۰۰۵	۱,۰۵
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	$LNMK$	۰,۰۲۶۷	۰,۰۰۴۳	۶,۱۶۵۲	۰,۰۰۰۰	۱,۲۳
زیان شرکت	$LOOS$	-۰,۰۰۷۱	۰,۰۰۸۶	-۰,۸۲۷۰	۰,۴۰۸۸	۱,۱۸
اقدام تعهدی سال گذشته	$LAGTA$	۰,۵۹۸۲	۰,۰۱۳۹	۴۲,۸۱۷	۰,۰۰۰۰	۱,۱۲
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی	$VOLCFO$	۰,۰۴۳۷	۰,۰۲۱۶	۲,۰۲۶۲	۰,۰۴۳۵	۱,۰۶
انحراف معیار فروش	$VOLSALE$	-۰,۰۳۰۰	۰,۰۰۹۹	-۳,۰۲۸۷	۰,۰۰۲۶	۱,۱۱
آماره F فیشر		۶۴,۹۹۲۰		آماره دوربین واتسون		۲,۲۹۴۴
مقدار معناداری آماره F		۰,۰۰۰۰				
ضریب تعیین		۰,۸۴۶۵		ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۳۱۹

ملاحظه مقادیر آماره‌های F در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل‌های رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. مقادیر آماره دوربین-واتسن نیز حکایت از عدم وجود مشکل خود همبستگی در میان جملات پسماند دارد. همان‌طور که در جدول فوق نیز ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ($ABNFEEES$)

مثبت و در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی می‌باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل اول پژوهش به شرح جدول (۵) می‌باشد.

جدول شماره (۵): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول پژوهش

$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AbnFees_{i,t} + \beta_2 BIG_{i,t} + \beta_3 LnMK_{i,t} + \beta_4 Loss_{i,t} + \beta_5 LagTA_{i,t} + \beta_6 VolCFO_{i,t} + \beta_7 VolSale_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$						
متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری	آزمون VIF
عرض از مبدا	B_0	۱,۱۳۷۲	۰,۲۰۹۷	۵,۴۲۲۱	۰,۰۰۰۰	---
حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	$ABNFEEES$	۰,۰۳۷۰	۰,۰۱۲۶	۲,۹۲۱۶	۰,۰۰۳۷	۱,۰۳
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	-۰,۰۸۱۷	۰,۰۴۰۸	-۲,۰۰۰۶	۰,۰۴۶۲	۱,۰۵
ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	$LNMK$	-۰,۰۸۴۹	۰,۰۱۵۰	-۵,۶۵۸۸	۰,۰۰۰۰	۱,۲۳
زیان شرکت	$LOSS$	۰,۰۹۵۷	۰,۰۲۸۸	۴,۱۸۹۶	۰,۰۰۰۰	۱,۱۸
اقلام تعهدی سال گذشته	$LAGTA$	۰,۴۴۰۰	۰,۰۴۱۳	۱۰,۶۳۲	۰,۰۰۰۰	۱,۱۲
انحراف معیار جریان نقد عملیاتی	$VOLCFO$	-۰,۰۰۲۹	۰,۱۰۵۶	-۰,۰۲۷۹	۰,۰۹۷۷۷	۱,۰۶
انحراف معیار فروش	$VOLSALE$	۰,۱۰۹۱	۰,۰۳۷۱	۲,۹۴۱۰	۰,۰۰۳۵	۱,۱۱
آماره F فیشر		۱۹,۸۲۶۴		آماره دوربین واتسون		۱,۸۵۵۷
مقدار معناداری آماره F		۰,۰۰۰۰				
ضریب تعیین		۰,۸۱۳۷		ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۸۰۱۲

ملاحظه مقادیر آماره‌های F در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل‌های رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. مقادیر آماره دوربین-واتسن نیز حکایت از عدم وجود مشکل خود همبستگی در میان جملات پسماند دارد. همان‌طور که در جدول فوق نیز ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ($ABNFEEES$) مثبت و در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود واقعی می‌باشد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

مساله مورد بررسی در پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ استفاده شده است، به طوری که پس از اعمال محدودیت‌های موردنظر در این پژوهش، نمونه نهایی متشکل از ۸۸ شرکت انتخاب گردید. پس از

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از تجزیه تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. آزمون فرضیه‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی *Eviews* و تکنیک‌های آماری داده‌های تلفیقی صورت پذیرفته است. فرضیه‌های پژوهش رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی را آزمون نموده است. نتیجه حاصل از آزمون‌های فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این بدان معناست که هر چه حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی بیشتر باشد مدیریت سود بیشتر خواهد شد. می‌توان اینگونه استنباط کرد که حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی منجر به ایجاد وابستگی اقتصادی بین صاحبکار و حسابرس می‌شود که حاصل آن کاهش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی است که در نتیجه باعث افزایش مدیریت سود توسط صاحبکار می‌شود. فرانکل (۲۰۰۲) معتقد است هرگاه حسابرسان از نظر درآمد وابستگی مالی بیشتری به صاحبکاران داشته باشند، مدیریت سود آن صاحبکار بیشتر از صاحبکاران دیگر بوده است. نتیجه فرضیه اول پژوهش مبنی بر رابطه بین مثبت حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی با پژوهش الهادب (۲۰۱۸) مطابقت دارد. همچنین نتیجه فرضیه دوم پژوهش مبنی بر رابطه مثبت بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود واقعی با پژوهش الهادب (۲۰۱۸) همراستا نمی‌باشد.

منابع

- ✓ پایدار، غلامعباس، رحمانی، محبوبه، (۱۳۹۵)، رابطه ساختار مالکیت، حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با کیفیت حسابرسی، کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت، همایش بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی، خرداد ماه.
- ✓ حسنی، محمد، عظیم‌زاده، نفیسه، (۱۳۹۶)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی شواهدی از ضعف سودآوری وضعف نقدینگی، فصلنامه پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۶۸.
- ✓ شبیانی تدرجی، عباس، خدای‌پور، احمد، (۱۳۹۷)، بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی - شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۰۳-۱۲۹.
- ✓ فخاری، حسین، محمدی، جواد، نتاج کردی، محسن، (۱۳۹۴)، به بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، دوره ۱۳، شماره ۴۶، صص ۱۳۰-۱۵۴.
- ✓ کیا، علی، صفری گرایلی، مهدی، (۱۳۹۶)، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۱۵.
- ✓ ملازاده، محمد، لاری دشت بیاض، محمود، ساعی، محمدجواد، (۱۳۹۵)، تأثیر دانش مالی بر روی مدیریت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۰، صص ۳۷-۶۰.
- ✓ منصور سرنجیانه، میکاییل، تنانی، محسن، (۱۳۹۲)، بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- ✓ موسوی شیرینی، محمود، غفاریان صالحی نژاد، زهرا، (۱۳۹۵)، رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و توانایی پیش‌بینی سود، همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران، دوره ۱.

- ✓ مهرانی، ساسان، نوروزی، سونا، (۱۳۹۴)، بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود، دانش حسابداری مالی، دوره دوم، شماره ۳، پیاپی ۶، صص ۱۰۵-۱۲۱.
- ✓ نصیرزاده، فرزانه، اورادی، جواد، رجبعلی زاده، جواد، (۱۳۹۶)، تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۳۹-۵۲.
- ✓ Altman E.I. September (1968). *Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy*. *Journal of Finance*, Vol. 23, nr. 4, pp. 589-609.
- ✓ Alhadab, M. (2018). "Abnormal audit fees and accrual and real earnings management: evidence from UK", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 16 Issue: 3, pp.395-416.
- ✓ Alhadab, M, Clacher. L, (2017), *The Impact of Audit Quality on Real and Accrual Earnings Management around IPOs*, *The British Accounting Review*.
- ✓ Alhadab, M., I. Clacher & Keasey. K. (2015). *Real and accrual earnings management and IPO failure risk*. *Accounting and Business Research* Vol. 45, No. 1, pp. 55-92.
- ✓ Alhadab, M., I. Clacher & Keasey. K. (2016). *A comparative Analysis of Real and Accruals Earnings Management around Initial Public Offerings under Different Regulatory Environments*. *Journal of Business Finance and Accounting* Vol, 43, No. 7-8, pp. 849–871.
- ✓ Alzoubi.E.S.S, (2017) " *Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan* ", *journal of International Accounting, Auditing and Taxation*
- ✓ Antle, R., Gordon, E., Narayanamoorthy, G., & Zhou, L. (2006). *The joint determination of audit fees, non-audit fees, and abnormal accruals*. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 27(3), 235-266.
- ✓ Asthana, SC. & Boone. JP. (2012). *Abnormal audit fee and audit quality*. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. Vol. 31 No. 3, pp. 1-22.
- ✓ Ball, R. & Shivakumar, L. (2006). *The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition*. *Journal of Accounting Research* 44(2):207–241
- ✓ Blankley I., Hurtt, DN. & Macgregor. JE .(2012). *Abnormal audit fees and restatements*. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. Vol. 31, No. 1, pp. 79-96
- ✓ Bryan.D.B, Mason.T.W. (2016). *The influence of earnings management conducted through the use of accretive stock repurchases on audit fees*, *Advances in Accounting* ,Volume 34, Pages 99-109.
- ✓ Campa, D. & Donnelly, R. (2016). *Non-audit services provided to audit clients, independence of mind and independence in appearance: latest evidence from large UK listed companies*. *Accounting and Business Research*, 46 (4),2016.
- ✓ Choi, J.H., Kim, J.B. and Zang, Y. (2010). "Do Abnormally High Audit Fees Impair Audit Quality?". *Auditing A Journal of Practice & Theory*, 29 (2):73- 97.
- ✓ Cohen, D. A. & Zarowin, P. (2010). *Accrual-Based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings*. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 2-19.
- ✓ Dechow, P. M. & Dichev. I. D. (2002). *The quality accruals and earnings: The role of accrual estimation errors*. *The Accounting Review*, 77 (Supplement): 35-59.
- ✓ Ferguson, M. J., Seow, G. S., & Young, D. (2004) *Nonaudit Services and Earnings Management: UK Evidence*. *Contemporary Accounting Research*; 21, 813-841.
- ✓ Frankel, R. M., Johnson, M. F. & Nelson, K. K. (2002). *The Relation between Auditors' Fees for Nonaudit Services and Earnings Management*. *The Accounting Review*, 77, 71-105.
- ✓ Gupta, P. P., Krishnan, G. V. & YU, W. (2012). *Do auditors allow earnings management when audit fees are low? Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1836829>*

- ✓ Hapsoro, D., Rani Santoso, T. (2018). Does Audit Quality Mediate the Effect of Auditor Tenure, Abnormal Audit Fee and Auditor's Reputation on Giving Going Concern Opinion?. *International Journal of Economics and Financial Issues*, ISSN: 2146-4138, Vol 8, page 143-152.
- ✓ Higgs. J. L. & Skantz. T. R. (2006). Audit and nonaudit fees and the market's reaction to earnings announcements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 25(1):1-26
- ✓ Hogan, C. E. (1997). Costs and benefits of audit quality in the IPO market: A self-selection analysis. *The Accounting Review*, 72(1), 67-86.
- ✓ Hoitash, R., A. Markelevich, & Barragato, C.A. (2007). Auditor fees and audit quality. *Managerial Auditing Journal* 22 (8): 761-786.
- ✓ Hribar, P, Kraver T. & Wilson R. (2014). A new measure of accounting quality. *Review of Accounting Studies*, Volume 19, Issue 1, pp 506-538
- ✓ Huguet. D, Gandía.J.L, (2015). Audit and earnings management in Spanish SMEs, *BRQ Business Research Quarterly*, 19(3), Pp 171-187.
- ✓ Iatridisa, G. & Kadorinisb, G. (2009). Earnings management and firm financial motives: A financial investigation of UK listed firms. *International Review of Financial Analysis*. V18, Issue 4, Pages 164-173.
- ✓ Iqbal, A., Espenlaub, S. & Strong, N. (2009). Earnings Management Around UK Open Offers", *The European Journal of Finance*, Vol.15 No.1, pp. 29-51.
- ✓ Jung, S-J., B-J. Kim, & Chung, J-R. (2016). The association between abnormal audit fees and audit quality after IFRS adoption: Evidence from Korea. *International Journal of Accounting and Information Management*, Vol. 24 Issue: 3, pp.252-271
- ✓ Kanagaretnam, K., G. Krishnan, & Lobo. G. (2010). An empirical analysis of auditor independence in the banking industry. *The Accounting Review* 85 (November): 2011-2046.
- ✓ Kim, R., Luo, W. (2017). Customer Concentration and Earnings Management: Evidence from the Sarbanes-Oxley SSRN: <https://ssrn.com/abstract> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2970368>
- ✓ Kraub. P., P. Pronobis & Zulch, H. (2015). Abnormal audit fees and audit quality: initial evidence from the German audit market. *Journal of Business Economics*, Volume 85, Issue 1, pp 45-84
- ✓ Larcker, D. F., & Richardson, S. A. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices, and corporate governance. *Journal of Accounting Research*, 42(3), 625-658.
- ✓ Mitra, S., D. Deis, & Hossain, M. (2009). The association between audit fees and reported earnings quality in pre- and post-Sarbanes-Oxley regimes. *Review of Accounting and Finance* 8 (3): 232-252.
- ✓ Moore. D. A., Loewenstein. G., Tanlu. L. & Bazerman, M. H. (2003). Auditor Independence, Conflict of Interest, and the Unconscious Intrusion of Bias. *Harvard Business School Working Paper*, No. 03-116.
- ✓ Peasnell, K.V., Pope, P.F. & Young, S. (2005). Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 32: 1311-1346.
- ✓ Roychowdhury, S., (2006), "Earnings management though real activities manipulation", *Journal of Accounting and Economics*, Vol.42, No. 3, PP.335-370.
- ✓ Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management, *Journal of Accounting and Public Policy*, 35(5), 513-539.
- ✓ Xie, Z. Cai, C. & Ye, J. (2010). Abnormal audit fees and audit opinion – further evidence from china's capital market. *China Journal of Accounting Research*, 3, 51-70.

- ✓ Zalata.A.M, Tauringana.V, Tingbani.E. (2017). "Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter?" *International Review of Financial Analysis*, Volume 55, Pages 170-183.

